

هدف از این گزارش، ارائه یک جمع‌بندی از فعالیت و نقش جراید و معرفی خطوط سیاسی و عقیدتی آنها، و مشخص کردن نوع و موارد منافع مطلوب نظر این رسانه‌های مکتوب می‌باشد. لازم به ذکر است که برخی از روزنامه‌های کنونی، دنباله روی خط مشی سیاسی، عقیدتی، تبلیغاتی و اطلاعاتی روزنامه‌های قدیمی‌ترند که دیگر اثری از اسمشان نیست، ولی رسمشان هنوز پی‌گیری می‌شود. عمدتاً می‌توان خط روزنامه‌های حاضر را بدین شکل طبقه‌بندی کرد:

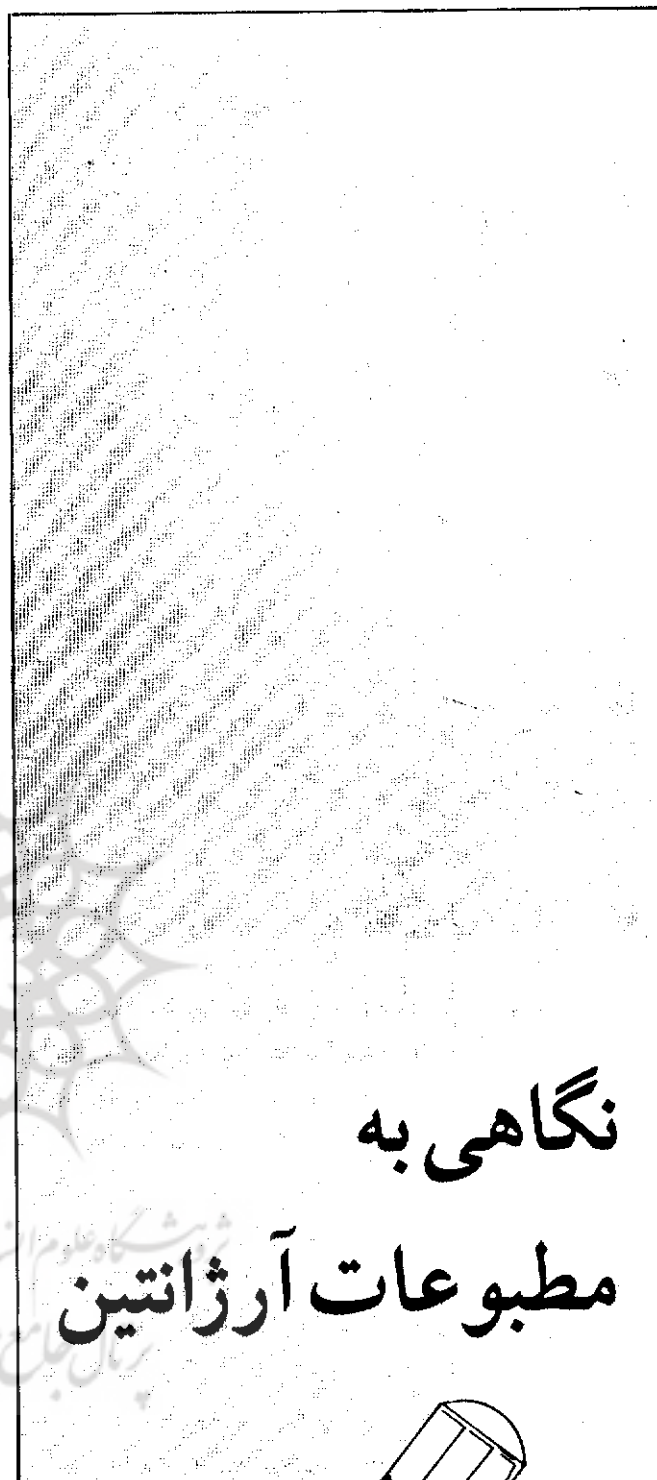
آنها که دست راستی هستند، عبارتند از لاپرنسا، لانسایون، امیتوفیناسیه رو؛ آنها که در میانه حرکت می‌کنند: کلارین، کرونیستا کومرسیال؛ روزنامه‌های با گرایش چپ، عبارتند از: پاخینادوسه، سور؛ و دست آخر، روزنامه‌های گرایش مردمی: کرونیکا، دیاریوپوپولار هستند که سلیقه‌های نازل را ارضا می‌کنند.

روزنامه لاراسون را نیز می‌توان در فهرست بالا جا داد که پس از ۵۰ سال انتشار، مجبور به تعطیلی شد، تا اینکه مؤسسه انگلیسی «ماکسول» آن را خریداری و مجدداً راه‌اندازی کرد. لاراسون، سابق بر این، در رقابت فشرده‌ای با روزنامه کرونیکا بود و به عبارتی می‌توان گفت سومین روزنامه آرژانتین به شمار می‌آمد و درگیریش هم با روزنامه عامه‌پسند کرونیکا، همین جنگ عقیدتی بود که چرا چنین هجو نامه‌ای چاپ می‌شود.

البته به فهرست بالا می‌بایست نام چند روزنامه دیگر را نیز افزود که نمایانگر جمع‌ات و دسته‌های خارجی مقیم آرژانتین هستند، مثل: بوینوس آیریس هرالد.

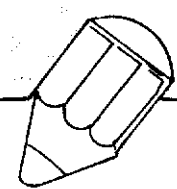
در عین حال، روزنامه‌های دیگری نیز از سایر کشورهای جهان به شکل روزانه و هفتگی در آرژانتین ارائه می‌شوند، مثل: مرکوریو چاپ شیلی، ال پاپیس چاپ اسپانیا و نیویورک تایمز چاپ آمریکا.

بالاترین تیراژ متعلق به کلارین و ناسیون است. نکته مهم دیگر این است که اهالی شهرستانها معمولاً اگر وسعشان برسد، هر روز دو روزنامه



نگاهی به

مطبوعات آرژانتین



همه روزه در دگه‌های روزنامه فروشی سراسر آرژانتین، ۹ روزنامه صبح ارائه می‌شود. این روزنامه‌ها نمایانگر مواضع و نظرهای چپ‌ترین دسته‌ها تا دست راستی‌ترین محافل هستند و از جدی‌ترین موضوعات تا هجو‌ترین مطالب را در این روزنامه‌ها می‌توان مشاهده کرد. و خلاصه، سلیقه روشنفکرترین افراد تا پایین‌ترین سلیقه‌ها را ارضا می‌کند. در همین حال، قدرت حاکم بر نظام اطلاعاتی و مطبوعاتی آرژانتین را بر ما به گونه‌ای افشا می‌سازند. بدین لحاظ، شناخت نقش سیاسی مثبت یا منفی این نظام، به هر تقدیری ضروری است، به ویژه در تاریخ سالهای اخیر کشور.



این روزنامه در سراسر کشور ۵۲ مؤسسه و شعبه دارد و در خارج نیز ۴ دفتر. و فروش آن در ایالتی مثل کوردوبا، ریوخا، بایبیلانکا، و حتی در مونت ویدیوی اروگوئه، بیشتر از روزنامه کلارین است و در حال حاضر نیز در حال ساختن تأسیساتی به ارزش سه میلیون دلار در کشور است.

لاپرتسا: این روزنامه، سابقه یک صد سال انتشار دارد. مواضع بورژوازی را ترویج می‌کند، البته بورژوازی زمین داران آرژانتین را که غالباً با سیاستهای پرون تعارض داشت، به طوری که خیلی زود به تعطیلی کشیده شد. سپس در پی سقوط حکومت پرون، مجدداً انتشار یافت. این روزنامه هنوز هم پرون را ظالم می‌داند. روزنامه‌های ضد مردمی و مرتجع است و تیراژ کمی هم دارد. مختص طبقات منحصر به بخش کشاورزی و دامداری کشور است.

گروئیستا کومرسیال: این روزنامه قبل از امیتوفیناسیه رو در صحنه جراید کشور ظاهر شد، ولی از لحاظ کیفیت انتشاراتی منحصر به قشر خاصی بود. برای همین، ابتدا به پشتوانه مشترکین خاصی منتشر می‌شد و عمدتاً درباره مسائل پولی و اقتصادی و تجاری مطلب می‌نوشت. این روزنامه را می‌توان متعلق به تشکیلات اقتصادی کنفدراسیون سراسری اقتصادی (CGE) دانست. طی دهه هفتاد، سهام این روزنامه را یک عده ناسیونالیست خریداری کردند. مدتی با چهره ملی متمایل به چپ منتشر می‌شد ولی دیکتاتوری نظامی، آن را مجبور به تعطیلی کرد. از دو سال پیش به این طرف مجدداً منتشر می‌شود، اما صاحبان جدیدش تاجرانی ناسیونالیست و توسعه طلب هستند. این روزنامه بیشتر به جناح

می‌خرند، یکی روزنامه محلی خودشان و دیگری یکی از روزنامه‌های پایتخت. از روزنامه‌های مهم دیگر ایالات نیز باید از لاوس دل انستریور چاپ کردونا، لانوئواپرونسیا چاپ بایبیلانکا نام برد که هم تیراژ بالایی دارند و هم شهرت داخلی بسیار.

امیتوفیناسیه رو (فضای مالی): این نشریه سیزده سال سابقه انتشار دارد. مدیرش خوئیورلموس نام دارد. در ابتدا یک روزنامه صرفاً تجاری و برای انتشار و توزیع در بهنه تجارت آرژانتین بود و حتی مشترک داشت، ولی به مرور، درگیر مسائل سیاسی داخلی و بین‌المللی شد و رشد فراوانی کرد. چون دست راستی است، سردمداران تجاری آرژانتین از قبیل صادرکنندگان و تاجران، از آن حمایت بسیار می‌کنند. مواضعش را می‌توان به نئولیبرالیسم مربوط و متعلق دانست. طرفدار اصلاحات دولتی حکومتی است، و طرفدار خصوصی کردن و یک بازار باز و نامحدود است. ۱۲ هزار مشترک ثابت دارد و تیراژش روزانه ۱۲۵ هزار نسخه است که رقم کمی نیست (البته باتوجه به تیراژ به فروش رفته کلارین که روزانه ۲۴۰ هزار نسخه است و ناسیون که ۲۲۰ هزار نسخه).

به مقایسه زیر توجه کنید:

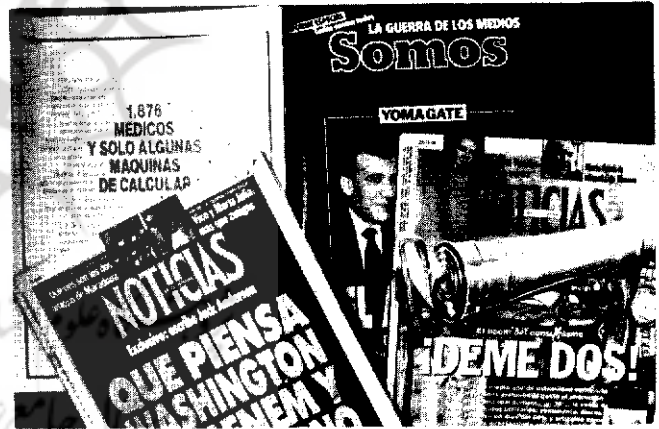
نام روزنامه	فروش روزانه	درجه تبلیغات زیر پوشش در فدرال پایتخت	فروش
امیتوفیناسیه رو	۱۲۵ هزار نسخه	۱۷ درصد	۲۱/۸۰۰/۰۰۰ دلار
کلارین	۴۴۰ هزار نسخه	۴۰ درصد	۴۵/۰۰۰/۰۰۰ دلار
ناسیون	۲۲۰ هزار نسخه	۲۲ درصد	۳۰/۰۰۰/۰۰۰ دلار

نولیبرالیسم مثل ناسیون و پرنسا نزدیک است، اما از امیتوفینانسیه رو کمتر رادیکال است.

اغلب این روزنامه‌ها، چون سخنگوی مواضع تجاری و پولی یک قشر خاص هستند، از لحاظ عقیدتی نیز از سیاستهای این اقلشار پیروی می‌کنند. تیراژ این روزنامه چندی است که افزایش یافته و خوانندگان کلارین بیشتر به سمت آن تمایل پیدا کرده‌اند.

پاخینادوسه: این روزنامه که بلندگوي مکتوب چپ‌ها و رادیکالهاست، توانسته در دو سال اخیر جایی مناسب برای خود بین جراید کشور باز کند. در هوای این روزنامه، چپها در کنار پرونیستهای نوگرا همزیستی مسالمت‌آمیزی دارند. برخی صفحات را عملاً و مشخصاً حزب کمونیست و جنبش سوسیالیستها می‌نگارند. این روزنامه بین روشنفکران و دانشجویان خریدار دارد، چراکه در میان صفحاتش گه‌گاه به ارائه مطبوعات خارجی به خصوص چپ مرکزی اروپا می‌پردازد و حتی گه‌گاه برخی نویسندگان و روشنفکران آمریکای لاتین و دیگر ملل جهان برایش مطلب می‌نویسند.

مجموعه نویسندگان و بر و بچه‌های هیئت تحریریه این روزنامه همان کسانی هستند که در مجله آل پورتن یو قلم می‌زنند که مجله‌ای است فرهنگی و چپی. اما پاخینادوسه چپ متعصب نیست و اطلاعات جامع از اوضاع و احوال آرژانتین و جهان به خواننده می‌دهد. این روزنامه را بیشتر می‌توان روزنامه‌ای سیاسی و حزبی دانست، ولی به مفهوم عام کلمه.



سور: این روزنامه چپی از طرفداران حزب کمونیست آرژانتین است و مثل پاخینادوسه حزبی و دسته‌ای است. قدری به هجو تمایل دارد، اما برخی تحلیلها و مقالات اقتصادی فرهنگی مهمی نیز دارد. این روزنامه را بیشتر خوانندگان کلارین می‌خوانند.

کرونیکا: این خبرنامه دارای یک چاپ صبحگاهی و دو چاپ عصرگاهی است. این روزنامه از دهه ۲۰ با عنوان دیگری به نام کریتیکا به چاپ می‌رسید. حال و هوای غیر جدی دارد و به اصطلاح وزین نامه نیست.

مدیر این روزنامه، گارسیا یکی از صاحبان کانال ۴ تلویزیون است و بیشتر مطلوب ذوق طبقه متوسط اجتماع است. در برخی مناطق بویونس آیرس، فروشش بیش از کلارین است حتی در بحرانی‌ترین اوضاع اقتصادی کشور، این روزنامه در چاپ عصر خود به خوبی فروش داشت. دیاریوپولار: این نشریه، در همان حال و هوای کرونیکا منتشر

می‌شود و حتی رقابت عجیبی در جذب خوانندگانش دارد. صفحات رنگی امتیازی برایش محسوب می‌شود. این روزنامه پوشش خبری وسیعی در امور ورزشی و مسائل تفریحی کشور دارد. با عنوان بندی و چاپ عکسهای رنگی بیشتر توجه طبقات عام اجتماع را جلب می‌کند، در حالی که از صف خوانندگان مشکل پسندش رفته رفته کاسته می‌شود.

حال می‌پردازیم به شمه‌ای از وضعیت روزنامه‌های ناسیون و کلارین. کلارین پرتیراژترین روزنامه آرژانتینی است که روزهای یکشنبه رقم فروشش به یک میلیون نسخه می‌رسد. پس از آن، به ترتیب ناسیون، کرونیکا، امیتوفینانسیه رو، پاخینادوسه، دیاریوپولار، کرونیستاکومرسیال، سور، لاپرنسا. حال به جدول مقایسه‌ای زیر توجه کنید که دو روزنامه کلارین و ناسیون با روزنامه لاراسون مطرح شده است:

فروش سالیانه روزنامه مهم آرژانتین ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸

سال	۱۹۸۸	۱۹۸۷	۱۹۸۵	۱۹۸۰
کلارین	۶۳۴۷۰۰ دلار	۶۴۱۶۰۰ دلار	۵۸۰۶۰۰ دلار	۵۴۱۳۴۰ دلار
ناسیون	۲۵۱۶۰۰ دلار	۲۴۹۸۰۰ دلار	۱۹۶۵۰۰ دلار	۲۵۰۴۰۵ دلار
راسون	۷۸۲۰۰ دلار	۸۳۰۰۰ دلار	۹۳۴۰۰ دلار	۲۹۲۰۴۵ دلار

در ارقام آماری بالا، کاهش فروش یکی و افزایش دوتای دیگر، در این سالها به طور چشمگیری محسوس است.

نکته دیگر، تحلیلهای روزنامه راسون است که به یک سوم کاهش یافته است. البته افزایش فروش ناسیون را باید مدیون آگهیهای شرط بندی دانست که خواننده را مجاب به خرید روزنامه و شرکت در یک مسابقه مالی می‌کنند.

در یک نظرخواهی، مردم در برابر این پرسش که به چه رسانه‌ای باور دارند، اظهار داشته‌اند: ۲۹/۳ درصد به هیچ یک باور ندارند، ۲۱ درصد به رادیوها باور دارند، ۲۶/۸ درصد به روزنامه‌ها، ۱۷/۸ درصد به تلویزیون، ۱/۲۰ درصد به مجلات، و ۳/۸۰ درصد نیز یا جوابی نداشتند و یا مایل به پاسخگویی نبودند. ناباوری یا کم باوری مردم به رسانه‌ها، بسیار تکان دهنده است.

در همین آمارگیری مشخص شد که در هفته آخر این پرسش مطبوعاتی، ۴۱ درصد از مردم اصلاً روزنامه‌های آن هفته را نخوانده‌اند. همین طور مشخص شد که قریب ۳۱ درصد از مردم همه روزه روزنامه می‌خوانند، ولی ۲۳ درصد مردم فقط یک یا دو روز از آن هفته روزنامه خوانده‌اند.

کلارین: روزنامه یا یک آژانس تبلیغاتی است، با اخبار غیر مستقل. این روزنامه از سال ۱۹۴۵ در پهنه مطبوعات آرژانتین ظاهر شد. در هنگام انتشار، سه روزنامه دیگر چون ناسیون، پرنسیا و موندو از قبل منتشر می‌شدند. قابل ذکر است که هیئت تحریریه و نویسندگان موندو جزو برترین نویسندگان آرژانتین بودند.

این روزنامه، به برکت آگهیهای تبلیغاتی‌اش که به شکل عالی چاپ می‌شود، توانسته سرمایه زیادی به هم بزند. و شاید علت ترقی خواهانه پس از جنگ باشد. تمایل این روزنامه ایجاد پیوند با بانک جهانی پول و بازکردن راه برای حضور سرمایه داران در کشور بود و بیشتر از همه پس از



شرکت مطبوعاتی عریض و طویل حاضر را از شوهرش روبرتو نوبله به ارث برده که در ۲۸ اوت ۱۹۴۵ نخستین شماره این روزنامه را منتشر ساخت. ناسیون (کشور): روزنامه‌ای که معلوم نیست بالاخره بلندگوی کدام نظر و اندیشه است. این روزنامه می‌توانست امپراتوری مطبوعاتی - رسانه‌ای بسیار مهم کلارین امروز را صاحب باشد، ولی نتوانست. مؤسس روزنامه، یک ثروتمند لیبرال به نام بارتولومه میتره بود. این شخص، اواسط قرن پیش، خیل عظیمی از بومیان اصیل آرژانتین را با حمایت انگلیس از صحنه روزگار محو کرد. و یکی از پیشگامان وابستگی آرژانتین به انگلستان است و بازماندگانش نیز از مهره‌های اصلی وابستگی به آمریکا هستند. روزنامه ناسیون روز به روز بزرگ و بزرگتر شد، در حالی که کشور رفته رفته تحلیل می‌رفت. ناسیون را باید سخنگوی زمین داران متمول و ملاکان بزرگ این سرزمین دانست.

میتره و میتریس، مصداق بارز اروپاگرایی و غریزگی است. این روزنامه، قصد فریب عقیدتی خواننده‌اش را ندارد، بلکه از موضع اروپا و اروپاگرایی خواننده‌اش را از واقعیت موجود دور می‌کند. البته از لحاظ پیشرفت‌ها و نوآوری‌های روزنامه نگاری جهان، ناسیون ردخور ندارد و همین امر، بر افزایش تیراژش کمک فراوان کرده است. سال ۸۷، تنها موردی بود که سقوط ارقام مالی روزنامه، آن را دستخوش بحران کرد که به لطف همان شرط بندیها، روزنامه توانست خود را از مشکلات برهاند. ناسیون را از لحاظ مالی می‌توان مقتدرتر از کلارین دانست، اگرچه این اقتدار، چندان محسوس و مشهود نیست.

صاحبان ناسیون دارای تشکیلاتی به مراتب بزرگتر هستند: آنها صاحب اصلی کشورند، همان کشوری که در آگهیهای تبلیغاتی مقیاس جهانی، به قیمت اندک به حراج گذاشته شده است.

سقوط پرون، فرونیزی این سیاست را با همراهی این روزنامه و پشتیبانی متقابل آن تا سال ۸۱ ادامه داد. و به واقع، کلارین به بلندگوی صنایع آرژانتین و صنعت گران کشور بدل شد، اما از نوع وابسته آمریکایی آن. طبقه بورژواکه از حمایت پرونیسم بهره جسته بود، بعدها به شخص پرون خیانت کرد و کلارین را به عنوان سخنگو و رسانه خبری خود برگزید. این روزنامه، فریاد زبرنمایی شدن صنعت ملی را می‌زد، ولی در عین حال، فرونیزی در همان لحظات نفت کشور را به رایگان به چند ملیتی‌ها می‌داد. امروزه این روزنامه با وابستگی مشخص و محسوس به آمریکاییها، سخنگوی قشر تاجران سیاسی کشور است.

این روزنامه دارای تأسیسات شرکتی غنی و مقتدر است. رادیوی میتره را اداره و کنترل می‌کند که رادیوی پرشنونده است و در ایالت، قریب سه میلیون نفر به این رسانه خبری گوش می‌کنند. و به تازگی نیز کانال تلویزیونی ۱۳ را نیز خریده است. اما عمده درآمد این روزنامه از تجارت کاغذ و چاپ است، که تحت همین عنوان کار می‌کند. این مؤسسه تجاری، در سال ۷۸ با ادغام کلارین و ناسیون و لاراسون تأسیس شد. شرکت کاغذ و چاپ، کاغذ مورد نیاز این روزنامه را با پایین‌ترین قیمت در اختیارش قرار می‌دهد. کلارین تقریباً برگشتی ندارد و هرچه چاپ می‌کند، به فروش می‌رسد و آن قدر از تولید کاغذ درآمد دارد که اگر هم روزنامه برگشتی داشته باشد، این عدم فروش به راحتی پوشانده می‌شود.

این روزنامه، ارتباط تجاری وسیعی با تاجران دولتی و ملی کشور مثل کنفدراسیون سراسری اقتصاد کشور، اتحادیه صنایع کشور و تعدادی از شرکتهای تعاون کشاورزی و دامی کشور دارد.

این روزنامه، در اروپا نیز به عنوان پرفروشترین روزنامه اسپانیایی زبان مطرح می‌باشد. صاحب امتیاز این روزنامه خانم ارنستینا نوبله است. وی